

منشور تحول در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه حضرت امام خامنه‌ای
(مدظله‌العالی)

۳

سال سی و یکم
پاییز ۱۴۰۲

مجید زین‌الدینی^۱

چکیده

تحول به‌عنوان مبدأ عزیمت انسان و جامعه در مسیر حرکت تکاملی جهت نیل به سعادت دنیوی و اخروی در کانون توجه آموزه‌های اسلامی قرار دارد. در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحول‌آفرینی همواره مورد مطالبه ولی‌فقیه بوده است. این مقاله در پی آن است، با استفاده از روش تحلیل مضمون منشور تحول را مبتنی بر اندیشه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تبیین نماید. شبکه مضامین، بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم شده و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. در این تحقیق، کلیه مکتوبات و بیانات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۴۰۱، به‌صورت تمام خوانی مورد مطالعه قرار گرفته است. پس از کدگذاری؛ برای منشور تحول؛ ۳۱۹ مضمون پایه، ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر شناسایی شد و شبکه مضامین ترسیم گردید. بر اساس نتایج تحقیق، مضمون فراگیر «چیستی تحول» مشتمل بر مضامین سازمان‌دهنده؛ مفهوم تحول، ابعاد تحول، ویژگی تحول‌آفرین، ویژگی تحول و معیار تحول است. مضمون فراگیر «چرایی تحول» از مضامین سازمان‌دهنده؛ اهمیت و ضرورت تحول، اهداف و کارکردهای تحول تشکیل شده است و در نهایت مضمون فراگیر «چگونگی تحول» شامل مضامین سازمان‌دهنده؛ مجریان تحول، حوزه عمل تحول، پیشران تحول، زمان تحول، الزامات و ملاحظات تحول، ابزارها و روش‌های تحول و منهیات تحول است.

کلیدواژه‌ها: تحول؛ تغییر؛ مدیریت تحول؛ حکمرانی اسلامی؛ حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی).

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۶/۲۹

صص: ۴۵-۱۱

شاپا چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۲۳۴-۲۶۴۵



DOR: 20.1001.1.22516980.1402.31.3.1.1

۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

drzeineddini@gmail.com

مقدمه

مقام معظم رهبری، فرایند تحقق «اهداف انقلاب اسلامی» را در پنج مرحله اساسی شامل: «انقلاب اسلامی»، «تشکیل نظام اسلامی»، «تشکیل دولت اسلامی»، «تشکیل کشور اسلامی» و «تشکیل دنیای اسلامی» تبیین نموده‌اند و در ادامه اشاره فرمودند ما اکنون در مرحله سومیم و هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم. (۱۳۷۹/۰۹/۱۲) گرچه بنا به فرمایش معظم له این یک فرایند طولانی، دشوار و تحقق آنها، بسیار طولانی است (۱۳۸۰/۰۹/۲۱)، از سوی دیگر رهبر معظم انقلاب در بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران به ویژه جوانان، حراست از انقلاب، ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) را مطالبه نمودند. (۱۳۹۷/۱۱/۲۲) لازمه تحقق این مطالبات، ایجاد تحول و حرکت شتاب‌دهنده در همه ارکان، ابعاد، جنبه‌ها و سطوح؛ فردی، اجتماعی، سازمانی و دولتی کشور است.

برای جبران عقب‌ماندگی‌های سنوات گذشته از سویی هماهنگی با تحولات امروزی از قبیل؛ سرعت شتابنده تغییرات و تحولات علمی، فناوری، اجتماعی، فرهنگی و... همچنین پیش‌بینی تغییرات و دگرگونی‌های آینده، پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی، نیل به همه موارد یاد شده در پرتو تحول‌گرایی آحاد ملت، نخبگان، رهبران سیاسی و مدیران کشور محقق خواهد شد.

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در باب اهمیت تحول می‌فرمایند "تحول در جوامع انسانی و برای بشر، سنت لایتغیر الهی است". (۱۳۸۳/۰۸/۰۶) و "راز ماندگاری و راز تعالی بشر" (۱۳۸۵/۸/۱۸) را در تحول می‌دانند و همواره در طول زعامت پر برکتشان تحول‌خواهی مطالبه نموده‌اند. از این‌رو برای پیشرفت و تعالی مردم و نظام، افزایش قدرت ملی و اقتدار جمهوری اسلامی ایران، نشان‌دادن کارآمدی حکومت اسلامی و تبدیل شدن به الگو برای سایر کشورهای مسلمان و تحقق "اهداف انقلاب اسلامی" لاجرم اتخاذ رویکرد تحول‌آفرینی برای مسئولین نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران موضوعیت می‌یابد.

چنانچه این مهم مورد غفلت و کم‌توجهی قرار گیرد و سازوکارهای اثربخش در حوزه تحول‌گرایی وجود نداشته باشد، پیامدهای ناخوشایندی را با شدت و ضعف‌های مختلف از قبیل: حفظ وضع موجود (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۸۳/۱۲/۲۴) خطر تحجر (همان، ۱۳۸۴/۰۳/۱۰)،

عقب ماندگی، ناکارآمد جلوه دادن حکومت اسلامی، کاهش اعتماد مردم، فرسودگی نظام اسلامی و افزایش طمع دشمنان را برای جامعه ایران اسلامی به همراه خواهد داشت. برای غلبه بر مشکلات اشاره شده و در راستای بهبود توسعه و تعالی جامعه اسلامی، شناخت ماهیت، فلسفه، نحوه اجرا و چگونگی به کارگیری تحول می تواند مفید واقع گردد. در راستای نیل به موارد یاد شده اهداف و سؤال های زیر طرح گردیده است:

هدف اصلی: تبیین منشور تحول در جمهوری اسلامی ایران بر اساس اندیشه حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) است.

اهداف فرعی

- ۱- شناخت چستی تحول در اندیشه حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی)
 - ۲- شناخت چرایی تحول در اندیشه حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی)
 - ۳- شناخت چگونگی تحول در اندیشه حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی)
- متناسب با هدف اصلی، سؤال اصلی تحقیق عبارت است از: منشور تحول در جمهوری اسلامی ایران بر اساس اندیشه حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) چیست؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تعاریف و مفاهیم

تحول: کلمه ای عربی و مصدر است. از نظر لغوی به معنای تغییر و دگرگونی (معمولاً در جهت بهتر شدن چیزی) است (انوری، ۱۳۸۳: ۲۹۲). برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری از نظر اصطلاحی تحول در بُعد انسانی عبارت است از: درست شدن و انسان صحیح شدن (تحول درونی) (۱۳۷۱/۱۱/۰۱) و در جنبه غیر از انسان به معنی؛ از شکلی به شکل دیگر شدن (۱۳۷۰/۱۲/۰۱)، حرکت روبه جلو و دائمی، اصلاح روزبه روز روش های غلط (۱۳۷۹/۰۲/۲۳) به روز بودن، از حوادث عقب نماندن (۱۳۸۶/۰۹/۰۸) حرکت نوبه نوی محتوایی (۱۳۸۹/۰۷/۲۹).

تحویل: اصل آن «حَوَّلَ» است یعنی از حالتی به حالت دیگر گراییدن، یا از چیزی جدا شدن (قریشی، ۱۳۵۲: ۱۹۸ به نقل از: راغب اصفهانی، ۱۳۷۴).

تغییر: به معنی تبدیل و تحویل است (همان، ۱۳۸).

تغییر؛ کلمه‌ای عربی و مصدر است. به معنای به گونه‌ای دیگر در آوردن، دگرگون کردن و تبدیل است (انوری، ۱۳۸۳: ۳۲۰).

مدیریت تحول: از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، تحول بدون مدیریت ممکن نیست. زیرا اگر مدیریت نباشد، ممکن است تحول دلخواه حاصل نشود و انحراف از اهداف به وجود آید. مدیریت تحول باید قدرت ایجاد تحول را داشته باشد. تا بتواند با موانع تحول مقابله کند و مقاومت‌ها را بی‌اثر کند. (۱۴۰۰/۲/۲۱)

حکمرانی اسلامی: حکمرانی اسلامی، شیوه حکومتی است که در آن ابعاد روابط بین حکومت و مردم، تعامل اجزای تشکیل دهنده حکومت و رابطه آن با سایر حکومت‌ها، در اهداف و سیاست‌ها، قوانین و خط‌مشی‌ها، برنامه‌ریزی و اجرا و نظارت و ارزیابی بر اساس مبانی، اصول و روش‌های اسلامی تنظیم می‌گردد. (رضایی، ۱۳۹۸: ۷۸)

مؤلفه‌ها و اصول حکمرانی اسلامی

اهداف، اصول و شاخص‌های حکمرانی اسلامی را می‌توان در سه مؤلفه اصلی: "روابط حکومت و مردم"، "روابط حکومت با عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی" و "نظام اداری و روابط اجزای حکومت" تبیین نمود.

مؤلفه اول: روابط حکومت و مردم

اهداف حکمرانی اسلامی در مؤلفه روابط حکومت و مردم؛ حداکثرسازی مشارکت مردم و استفاده از نظرها، آرا و مشاوره‌های مردم، نهادهای مردمی و نخبگان در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و ایجاد امر به معروف و نهی از منکر مردم و نهادهای مردمی در حوزه نظارت و کنترل فعالیت‌ها و عملکرد حکومت به منظور ارتقای سطح عملکردی حکومت و کاهش فساد و افزایش اعتماد مردمی و مشروعیت نظام است. اصول حاکم بر روابط حکومت و مردم در حکمرانی اسلامی عبارت‌اند از:

- اصل حاکمیت رابطه رحمانی و خیرخواهی و مهرورزی حکومت نسبت به مردم
- اصل رعایت منافع عمومی
- اصل رعایت افکار و رضایت عمومی

- اصل مشارکت عمومی
- اصل اصلاح و نظارت همگانی؛ امر به معروف و نهی از منکر
- اصل وفاداری و رابطه مسئولانه مردم نسبت به حکومت
- اصل شفافیت، اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی

مؤلفه دوم: روابط حکومت با عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

اهداف حکمرانی اسلامی در این مؤلفه؛ تنظیم روابط حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی با یکدیگر، حفظ کلیت و انسجام درونی و توسعه و هم‌افزایی بخش‌های مختلف نظام است. اصول حاکم بر روابط حکومت با عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در حکمرانی اسلامی عبارت‌اند از:

- اصل جهان‌شمول در همه حوزه‌ها: اصل وحدت، هماهنگی و هم‌افزایی؛
- اصول حوزه سیاست: اصل امنیت ملی، اصل وفای به عهد و پیمان، اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و مقابله عادلانه با تجاوز، اصل رسالت جهانی و حمایت از حق‌طلبی و اصل نفی سلطه؛
- اصول حوزه اقتصاد: اصل فقرزدایی و توجه به محرومین، اصل تولیدگرایی و اصل توسعه‌گرایی
- اصل حوزه فرهنگ: اصل مسئولیت تربیتی و علمی.

مؤلفه سوم: نظام اداری و روابط اجزای حکومت

اهداف حکمرانی اسلامی در مؤلفه نظام اداری و روابط اجزای حکومت، افزایش بهره‌وری (کارایی و اثربخشی) عقلانیت محور نظام اداری - مدیریتی از طریق شایسته‌سالاری و جابه‌جایی نخبگان است که این مهم بر اساس اخلاق و عقلانیت، مشارکت، مشورت و تخصص محوری و در حوزه‌های سیاست‌گذاری کلان و بخشی، نظارت، اصلاح و پالایش درونی و مبارزه با فساد و مشتری‌مداری و پاسخ‌گویی نظام اداری صورت می‌پذیرد. اصول حاکم بر نظام اداری و روابط اجزای حکومت در حکمرانی اسلامی عبارت‌اند از:

- حوزه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری: اصل شورا و مشورت؛
- حوزه روابط قوا: اصول وحدت، هماهنگی و هم‌افزایی؛ تعدیل قدرت؛ تفکیک وظایف قوا و ارکان نظام و نظارت آن‌ها بر یکدیگر؛

- حوزه نیروی انسانی، اصول رهبری ولی فقیه دین‌شناس، شایسته‌سالاری، ذکر؛ رشد و بهسازی و مسئولیت‌پذیری و خدمتگزاری؛
- حوزه نظارت و کنترل: اصول نظارت آشکار و پنهان، نظارت مردمی، برخورد و واکنش مناسب؛
- حوزه فرهنگ‌سازمانی: اصول فرهنگ قانون‌مداری، فرهنگ جهاد و شهادت‌طلبی؛
- حوزه منابع مالی: اصول بهره‌وری و سلامت مالی؛
- حوزه فساد زدایی: اصول مبارزه همه‌جانبه با فساد، در دو بعد نظری و عملی و در ساحت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و اصل سلامت، قاطعیت و استقلال نظام قضائی. (همان، ۷۸-۷۹)

شاخص‌های کلیدی حکمرانی اسلامی

باتوجه به بررسی‌های منابع و اسلامی و تأمل در آیات و احادیث، مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی مؤثر در اجرای حکمرانی خوب در جوامع اسلامی استخراج شده است که عبارت‌اند از: خدامحوری، صراحت و روشنی در اهداف، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی، عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری، کنترل و نظارت بر عملکرد مجموعه، کاهش فقر، تأمین آزادی مشروع مردم، ثبات سیاسی، اثربخشی و کارایی دولت، حاکمیت قانون در اسلام، اهتمام به علم و پیشرفت علمی، مشارکت، مبارزه با فساد، شفافیت اطلاعاتی، شایسته‌سالاری، دوام و پایداری. (بردباری، و همکاران، ۱۳۹۴)

تحول‌گرایی در آموزه‌های اسلامی

الف- تغییر و تحول از منظر قرآن کریم

خداوند متعال در قرآن کریم چندین بار به واژه «تغییر» اشاره نموده است (عبد الباقی، ۱۳۷۵: ۶۳۴). از جمله در آیات زیر:

❖ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند (سوره مبارکه رعد، آیه ۱۱). این آیه می‌فرماید؛ مقدرات شما پیش از هر چیز و هر کس، در دست خود شماست، و هرگونه تغییر و دگرگونی در خوشبختی و بدبختی اقوام در درجه اول به خود آنها بازگشت می‌کند. شانس، طالع، اقبال، تصادف و تأثیر اوضاع افلاکی و مانند این‌ها هیچ‌کدام اساس ندارد. اراده و خواست ملت‌ها و

تغییرات درونی آنهاست که آنها را مستحق لطف یا مستوجب عذاب خدا می‌سازد. به تعبیر دیگر، این اصل قرآنی، که یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی اسلام را بیان می‌کند، به ما می‌گوید؛ هرگونه تغییرات برونی متکی بر تغییرات درونی ملت‌ها و اقوام است، و هرگونه پیروزی و شکستی که به قومی رسیده است از همین جا سرچشمه می‌گیرد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۷۳).

❖ «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند (سوره مبارکه انفال، آیه ۵۳). موضوع مهمی که از این آیه به روشنی استفاده می‌شود این است که انسان سرنوشت خاصی ندارد که از پیش تعیین شده باشد و تحت تأثیر «جبر تاریخ»، «جبر زمان» و «محیط» نیست، بلکه عامل سازنده تاریخ و زندگی انسان دگرگونی‌هایی است که در روش، اخلاق، فکر و روح او، به اراده خودش پیدا می‌شود. انسان آزاد است و سرنوشت خود را به دست خویش می‌سازد. تا در وضع او دگرگونی پیدا نشود و با خودسازی، خویشانش را عوض نکنند، تغییری در سرنوشتش پیدا نخواهد شد.

ذکر این نکته نیز لازم است که مسئله رهبری نقش مؤثری در سرنوشت اقوام و ملل دارد، ولی نباید فراموش کرد که ملت‌های بیدار همواره رهبران لایق را به رهبری خویش می‌پذیرند و رهبران نالایق و زورگو و ستمکار در برابر خشم و اراده آهنین ملت‌ها در هم کوبیده می‌شوند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۶۰).

❖ «... وَ لَأْمُرَنَّهُمْ فَلْيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ...»؛ و امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند (سوره مبارکه نساء، آیه ۱۱۹). تغییر مخلوقات (نظیر زن را به مرد و مرد را به زن تبدیل کردن) کار حرام و شیطانی است (قرائتی، ۱۳۸۳).

❖ «... فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ...»؛ در آن باغ بهشت نهرهایی از آب زلال گوارا است و نهرهایی از شیر که هرگز طعمش تغییر نکند (سوره مبارکه محمد، آیه ۱۵). نعمت‌های بهشتی از هرگونه آفت و نقص و تغییر به دورند. آب‌وهوای بهشت، نعمت‌ها را متغیر و مسموم و بد بو نمی‌کند (قرائتی، ۱۳۸۳).

آیاتی از کلام‌الله مجید در رابطه با تحول چنین می‌فرمایند:

❖ «... إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»؛ من جز اصلاح نمی‌خواهم تا آنجا که توان دارم، و توفیق من جز به خدا نیست. بر او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم (سوره مبارکه هود، آیه ۸۸). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، آیه می‌فرماید: «من یک هدف بیشتر ندارم، و آن اصلاح شما و جامعه شماست، تا آنجا که در توان دارم» این همان هدفی است که تمام پیامبران آن را پیگیری می‌کردند: اصلاح عقیده، اصلاح اخلاق، اصلاح عمل، و اصلاح روابط و نظامات اجتماعی (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۵۲). این آیه نشان می‌دهد پیامبران تا سر حد قدرت، به دنبال تحول و اصلاح بودند.

❖ «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...»؛ ما در هر امتی رسولی فرستادیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید (سوره مبارکه نحل، آیه ۳۶). دعوت به «توحید» و «مبارزه با طاغوت» اساس دعوت تمام پیامبران و نخستین چیزی بوده که همه آنها بدون استثناء به آن دعوت می‌کرده‌اند؛ چراکه اگر پایه‌های توحید محکم نشود و طاغوت‌ها از جوامع انسانی و محیط افکار طرد نگردند، هیچ برنامه اصلاحی قابل پیاده کردن نیست (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۴۷). این آیه نشان‌دهنده این است که دو عامل «توحید» و «طرد طاغوت» زمینه‌ساز تحولند.

در آیات دیگری از قرآن مجید کلمه "تحویل" سه بار آمده است (عبد الباقی، ۱۳۷۴: ۲۸۱)، از جمله:

❖ «قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا»؛ بگو کسانی را که به جای او [معبود خود] پنداشتید بخوانید [آنها] نه اختیاری دارند که از شما دفع زیان کنند و نه [آنکه بلایی را از شما] بگردانند (سوره مبارکه اسراء، آیه ۵۶).

❖ «سُنَّه مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا»؛ سنتی که همواره در میان [امت‌های] فرستادگانی که پیش از تو گسیل داشته‌ایم [جاری] بوده است و برای سنت [و قانون] ما تغییری نخواهی یافت (سوره مبارکه اسراء، آیه ۷۷).

❖ «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا»؛ پس آیا جز سنت [و سرنوشت] شوم [پیشینیان را انتظار می‌برند و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت (سوره مبارکه فاطر، آیه ۴۳)].

ب- نگاه ادعیه به تحول

❖ دعای تحویل سال که اشاره دارد به؛ «يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوْلَ حَالِنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ» تغییر و تحول از ذات اقدس الهی مسئلت شده است (مجلسی، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

❖ در دعای جوشن کبیر تحول و دگرگونی هفت مرتبه در فرازهای؛ ۱۲، ۲۴، ۴۹، ۶۲، ۹۰، ۹۴ و ۹۷ آمده است (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۰: ۲۲۳-۱۹۸).

پ- موانع تغییر و تحول در آموزه‌های اسلامی

در باره مقاومت در برابر تغییر، خداوند می‌فرماید: «وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ»؛ و هیچ پیامبری برایشان نیامد جز آنکه او را به مسخره می‌گرفتند (سوره مبارکه حجر، آیه ۱۱). آن‌ها که شخصیت را بر اثر کوردلی، در لباس نو و مرکب زیبا و زندگانی مجلل می‌دانستند، تعجب می‌کردند که آیا یک انسان فقیر و تهیدست ممکن است رهبر و راهنمای این همه جمعیت ثروتمند و مرفه گردد؟ و به دنبال آن به استهزاء بر می‌خاستند.

می‌دیدند قبول دعوت پیامبران، آنها را در برابر شهواتشان محدود می‌سازد و آزادی‌های حیوانی‌شان را سلب می‌کند و برای آنها وظایف و مسئولیت‌هایی ایجاد می‌نماید. به همین دلیل به استهزاء بر می‌خاستند تا خود را از این وظایف راحت کنند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۱).

حضرت امام سجاد (علیه‌السلام) در دعای ابو حمزه ثمالی فرموده‌اند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسْلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْعُقْلَةِ وَالْقَسْوَةِ [وَالذَّلَّةِ] وَالْمَسْكَنَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةَ وَكُلَّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ»؛ خدایا به تو پناه می‌آورم از کسالت و سرافکندی و اندوه و ترس و بخل و بی‌خبری و سنگدلی و ناداری و تهیدستی و بیچارگی و همه بلاها و زشتی‌های آشکار و پنهان (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۰: ۴۰۶-۴۰۵). بر اساس دعای یاد شده موانع تحول در انسان عبارتند از: تنبلی، سستی، غم و اندوه، ترس، بخل، غفلت، سنگدلی، زمین‌گیری، فقر، تنگدستی، بلایا، زشتی ظاهر و باطن.

در فرازی از دعای مکارم‌الاخلاق نیز آمده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَهِّئْ لِي دِرْكًا فِي أَوْقَاتِ الْعُقْلَةِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمَهَلَةِ»؛ بار خدایا بر محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌و

سلم) و آل او درود فرست، و من را در اوقات فراموشی (پیروی از نفس) به یاد خودآگاه ساز، و در روزگار مهلت (زندگانی دنیا) به طاعت و بندگی ات بگمار (شیخ عباس قمی، ۱۳۸۰: ۱۱۲۶-۱۱۲۵). این دعا یکی از موانع تحول در انسان را غفلت، فراموشی یا پیروی از هوای نفس معرفی نموده است.

مقولات اساسی در باب تحول در هستی

تحولی که در جهان هستی دیده می‌شود چه از قوانین علیت سرچشمه بگیرد یا از سایر اصول مجاری قانونی به‌هرحال بدان جهت که این تحولات منظم نمی‌تواند از هیچ به وجود بیاید یا باید خود ماده و طبیعت این کار را صورت بدهد، یا حقیقتی خارج از آن؛ روشن است که ذات ماده و طبیعت ناخودآگاه توانایی ایجاد نظم و سیستم را ندارد؛ زیرا نه حرکت در ذات ماده است و نه همه چیز در همه چیز وجود دارد؛ لذا خلاق و محرکی عظیم در پس پرده را نمی‌توان منکر شد. در باب تحول در هستی مقولاتی اساسی را می‌توان در نظر گرفت. شرح آن در ادامه خواهد آمد.

- ۱- مملو بودن هستی از تحول؛
- ۲- چرایی حرکت هستی؛
- ۳- درک توصیف‌ناپذیری تحول هستی، گامی رو به پیشرفت؛
- ۴- جریان قانون علیت، تابعی از تحول دائمی هستی؛
- ۵- عدم سازگاری ظاهری تحول با قانون علیت؛
- ۶- چگونگی سازگاری حرکت و تحول با مفهوم ابدیت؛
- ۷- علت پیدایش تحولات مختلف در حقیقت واحد؛
- ۸- چرایی نامحسوس بودن تحول اجزای طبیعت؛
- ۹- معدوم نشدن تحولات هستی؛
- ۱۰- مبدأ و مقصد تحول؛
- ۱۱- منتهی بودن حرکت و سیورورت هستی به کمال؛
- ۱۲- درک بهتر مفهوم تحول؛
- ۱۳- ادراک حرکت و تحول توسط حقیقت غیر متحول و پایدار؛

- ۱۴- ثابت‌های زیربنایی، منشأ تحولات هستی؛
- ۱۵- الله جل جلاله، محرک و محولی بدون حرکت و تحول؛
- ۱۶- بی‌معنا بودن تحول در زیر بنای هستی؛
- ۱۷- تحول‌ناپذیری قوانین و سنن الهی؛
- ۱۸- شبهه لزوم ایجاد تحول در دین؛
- ۱۹- انطباق قوانین اسلام با تحولات تکوینی (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵).

مقولات اساسی در باب تحول در انسان

انسان پیوسته در حال تحول است و قوه‌ای را به فعلیتی تبدیل می‌کند و از سرایی به سرای دیگر برده می‌شود و در عالم طبیعت باید ره‌توشه سفر به سرای ابدی را فراهم کند. برخی مقولات در باب تحول انسان عبارت‌اند از:

- ۱- زایش فکری و تحول، مقدمه کمال انسان؛
- ۲- امکان‌پذیر بودن تحول برای انسان در هر شرایط؛
- ۳- قدرت انسان برای تحول، حاکم بر همه اقسام جبر؛
- ۴- عشق الهی، نابودگر مانعی به نام زمان در مسیر تحول؛
- ۵- تحولات جسمانی انسان تابعی از روح او؛
- ۶- تحول درونی انسان، تحول حقیقی و واقعی؛
- ۷- تحول حقیقی، گوهری گران‌بها و صعب‌الوصول؛
- ۸- نامیرایی و تحول‌ناپذیری ثوابت وجودی انسان؛
- ۹- دوام و ثبات روح انسان؛
- ۱۰- عدم ادراک تحول‌ناپذیری روح توسط گرفتاران طبیعت؛
- ۱۱- غیر قابل‌قیاس بودن تحول روح یا جسم انسان؛
- ۱۲- کیفیت صبرورت الی الله؛
- ۱۳- انسان الهی، مافوق تحولات طبیعی (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

عوامل تحول در جامعه

جامعه بدون دخالت عوامل خارجی نمی‌تواند سیر تکاملی داشته باشد و قطعاً هر نوع تحولی در آن نیازمند اسباب و علل است. نه تنها جوامع بشری بلکه همه نظام هستی بر مجرای علل و معالیل خاص جریان دارند؛ بنابراین رشد و شکوفایی جوامع بشری و نیز انحطاط و سقوط آنها عواملی دارند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

- ۱- پیروی از وحی و نبوت؛
- ۲- فرهنگ و معرفت؛
- ۳- قانون‌مداری؛
- ۴- نقش رهبری در تحول و تعالی جامعه؛
- ۵- صبر و استقامت؛
- ۶- محبت و تقریب قلوب؛
- ۷- اختلاف سازنده؛
- ۸- اطلاع از واقعیت درونی پدیده‌ها؛
- ۹- مجهز بودن به سیستم دفاعی از حیات معنوی؛
- ۱۰- مجهز بودن به سلاح فرهنگی؛
- ۱۱- احیای فرهنگ پرشش و پاسخ؛
- ۱۲- وحدت؛
- ۱۳- تخصص و تعهد؛
- ۱۴- خلاقیت در کار؛
- ۱۵- کار هدفمند؛
- ۱۶- همت در تولید و قناعت در مصرف؛
- ۱۷- نقش رقابت در توسعه ممدوح؛
- ۱۸- توزیع متعادل ثروت؛
- ۱۹- عدالت گستری؛
- ۲۰- امر به معروف و نهی از منکر (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۱).

الزامات تحول عمومی

از آنجاکه انسان، فصل مشترک بین عرصه اجتماع و تاریخ و سازمان است، لذا برخی از الزامات را می‌توان احصاء نمود که با تحقق آن، بخش عمده‌ای از تحول به مفهوم واقعی آن در عرصه‌های یادشده به وقوع خواهد پیوست. اهم این الزامات عبارت‌اند از:

- ۱- هشیار ساختن انسان؛
- ۲- به فعلیت رساننده عواطف و عشق سازنده؛
- ۳- مالکیت بر نفس در عین تملک قدرت؛
- ۴- عدم ابتدای روابط بر اساس منفعت؛
- ۵- حذف انحصار لذت در لذت مادی؛
- ۶- توجیه‌نکردن وسیله باهدف؛
- ۷- کنار گذاشتن خود هدف انگاری؛
- ۸- عدم دفع فاسد به افسد؛
- ۹- احساس وحدت عالی بین حیات و شخصیت انسان؛
- ۱۰- درک اعلائی جمال؛
- ۱۱- ترک فردا گرایی؛
- ۱۲- حذف از خود بیگانگی و دیگر بیگانگی؛
- ۱۳- به فعلیت رساندن استعدادها؛
- ۱۴- تلقی کمال از آزادی و اختیار؛
- ۱۵- رفع تراحم از عوامل طبیعت؛
- ۱۶- اقرار به واقعیات و صداقت پیشگی (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱۳).

تحول در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

گلچینی از بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خصوص تحول:

۱- تحول چیست؟

تحول واقعی یعنی؛ رساندن ایمان و اخلاق اسلامی به اعماق روح مردم (۱۳۶۹/۱۲/۲۲).

تحول یعنی؛ خارج شدن از نفسانیات خودبینی و غرور (۱۳۷۵/۰۱/۲۸).
استغفار و توبه، یعنی برگشتن به خدا، یعنی پشت کردن به بدی‌ها، یعنی همین ایجاد تحول.
تحول یعنی از شکلی به شکل دیگر شدن: ما باید پایه‌های تفکر اسلامی و... یعنی این تحول و از شکلی به شکل دیگر شدن را توضیح بدهیم. (۱۳۷۰/۱۲/۱)
تحول درونی یعنی درست شدن و انسان صحیح شدن: هدف انبیا در قلمرو زندگی اجتماعی... مقدمه‌ای برای رسیدن انسان به همان هدفی است که در قلمرو فردی وجود دارد. یعنی تحول درونی؛ درست شدن و انسان صحیح شدن. (۱۳۷۱/۱۱/۱)
تحول یعنی به‌روز بودن، به هنگام جلو رفتن، از حوادث عقب نماندن (۱۳۸۶/۰۹/۰۸).
معنای اساسی تحول این است؛ حرکت نو به نو محتوایی (۱۳۸۹/۰۷/۲۹).
تحول، یعنی در بعضی از موارد، زیرورو شدن. (۱۳۹۰/۳/۲۳)

۲- ضرورت تحول

تحول به‌عنوان حلال مشکلات: تا آن تحول در درون یک جامعه... ایجاد نشود و... مشکلات جوامع اسلامی حل نخواهد شد (۱۳۷۲/۰۱/۰۴).
رکود و خطر تجزیر: رکود و سکون و سکوت موجب می‌شود که جمود و تجزیر و کهنگی به وجود آید و ارزش‌ها کارایی خود را از دست بدهد. (۱۳۷۹/۰۲/۲۳)
آن‌هایی که به تحول و تغییر توجه می‌کنند و ارزش‌ها را در درجه اول قرار نمی‌دهند، خطر انحراف برایشان وجود دارد؛ این‌ها هم باید مراقب باشند. (همان)
تحول نقطه مقابل رکود: در مقابل تحول چه هست؟ رکود نقطه مقابل تحول، رکود است... رکود، بد است... (۱۳۸۵/۰۸/۱۸)
تحول راز ماندگاری و تعالی بشر: تحولات بشری اتفاق می‌افتند. این راز ماندگاری و راز تعالی بشر است. (۱۳۸۵/۸/۱۸)
تحول نیاز همیشگی: تحول... کار مهمی است؛ این تحول یک نیاز همیشگی است. (۱۴۰۰/۰۶/۰۶)

هدف، نتیجه و محصول تحول

تحول، سیوروت دائمی و استحاله زدایی: در جامعه اسلامی دائماً باید سیوروت و تحول وجود داشته باشد، تا در این تزریقات بیگانه یا رسوبات گذشته، افراد استحاله نشوند. (۱۳۷۰/۱۲/۱۲)

تحول درونی عامل دستیابی به اهداف: اسلام به ما یاد می‌دهد که برای پیشرفت در دستیابی به هدف‌های دنیا و آخرت، باید تحوّل در درون انسان به وجود آید. (۱۳۷۲/۰۱/۰۴)

تحول، دگرگونی به سمت پیشرفت و تعالی: تحول برای چیست؟ برای پیشرفت. پیشرفت چیست؟ باید آن را معنا کنیم... تحوّل که با پیشرفت همراه است، موردنظرمان است (۱۳۸۵/۰۸/۱۸)... در تحول، دگرگونی به سمت پیشرفت و تعالی را باید در نظر گرفت. تحوّل که موجب پُرسرفت بشود، تحول بدی است. (۱۳۷۳/۰۱/۰۱)

سطح، عمق و حوزه تحول

تحول عمیق: تحول عمیق یعنی چه؟... (دو نکته دارد) نکته اول: ما آنچه را که می‌گیریم، ارزیابی کنیم، ببینیم به درد ما می‌خورد یا نه.../ به ما نباید تزریق کنند؛ ما باید انتخاب کنیم... نکته دوم: تا ابد که نباید انسان شاگرد بماند. ما باید خودمان استاد بشویم. (۱۳۸۷/۰۲/۱۲)

انقلاب یعنی تحول و جبران عقب‌ماندگی: انقلاب باید تحقّق پیدا کند... این تحقّق به آن است که آن بخش‌هایی که عقب‌مانده و تحوّل پیدا نکرده است، تحوّل پیدا کند... تا آن ملت بتواند بانشاط و باقدرت به سمت هدف خود حرکت کند. (۱۳۷۹/۰۲/۲۳)

تحول در همه ابعاد: انتظار دارم پیشرفت روزافزون و تحول‌آمیز سپاه در همه ابعاد آن را در برنامه مدیریت و فرماندهی خویش برجسته سازید. (۱۳۸۶/۰۶/۱۰)

تحول در بخش‌های مدیریتی کشور: این تحوّل در کجاها باید انجام بگیرد؟... هم در بخش‌های گوناگون حکمرانی و بخش‌های مدیریتی کشور است که خب در زمینه‌های اقتصاد، در زمینه‌های مسائل اجتماعی، در زمینه‌های مسائل فکری... بنابراین یک حوزه مهم برای تحوّل، همین بخش‌های مدیریتی کشور است. (۱۴۰۰/۰۲/۲۱)

تحول در زندگی عمومی مردم: یک بخش هم در مورد زندگی عمومی مردم است که در این زمینه‌ها هم به معنای واقعی کلمه در بعضی از بخش‌ها بایستی تحوّل حرکت کرد. عادات غلطی در بین ما مردم وجود دارد که با این‌ها بایستی برخورد کرد... یک کار تحوّل لازم است؛ مثلاً

فرض کنید قضیه اسراف... خوب پس همه این‌ها حوزه‌های لزوم تحول است، در همه این‌ها بایستی تحول به وجود بیاید (همان)

تحول انسان، اساس همه تحولات: تحول انسان، اساس همه تحولات عالم است. (۱۳۸۰/۰۲/۱۱)

خصوصیت تحول

تحول و پیشرفت دائمی به‌عنوان قاعده کارهای مستمر: قاعده هر کار مستمر، بخصوص وقتی وظیفه بزرگی بر عهده دارد، این است که به‌طور دائم در حال تحول و پیشرفت باشد. (۱۳۷۰/۰۶/۲۵)

انقلاب یعنی جریان مستمر تحول بنیادین: اگر انقلاب به معنای ایجاد تحول بنیادین است... طبیعی است که این کار هنوز جریان دارد و تمام نشده است. (۱۳۶۸/۰۳/۲۳)

تحول حرکت به‌سوی ایده‌آل‌ها: پس یک مسئله این است که ما آن تحول و شکل مطلوبی را که برای حوزه لازم است - ولو ایده‌آلی به نظر برسد؛ بگذارید برسد - دنبال کنیم. اگر ایده‌آل‌ها نباشند، حرکت کند خواهد شد. (۱۳۷۰/۱۱/۲۸)

تحول یعنی اصلاح روزه‌روز روش‌های غلط: جامعه باید حرکت کند، تحول پیدا کند و به جلو برود. باید روزه‌روز روش‌های غلط را اصلاح کند و یک‌قدم جدید بردارد تا بتواند به نتیجه برسد. (۱۳۷۹/۰۲/۲۳)

انقلاب، یعنی تحول بنیادین بر اساس ارزش‌ها: انقلاب، یک تحول بنیادین بر اساس یک سلسله ارزش‌هاست و یک حرکت به جلو محسوب می‌شود... انقلاب یک امر دفعی نیست؛ یک امر تدریجی است. در طول زمان، انقلاب باید تحقق پیدا کند... این تحقق به آن است که آن بخش‌هایی که عقب‌مانده و تحول پیدا نکرده است، تحول پیدا کند. (همان)

در چارچوب همان ارزش‌ها پیش بروند و تحولات را به وجود آورند. آن وقت انقلاب، یک انقلاب کامل و روزه‌روز می‌شود و تمام‌شدنی هم نیست. این تکامل، تمام‌شدنی هم نیست. (همان)

اساس، همان ارزش‌هاست. در چارچوب همان ارزش‌ها پیش بروند و تحولات را به وجود آورند. به ارزش‌ها توجه کنیم؛ در ارزش‌ها تبعیض قائل نشویم، در چارچوب ارزش‌ها تحول و حرکت به جلو را با جدیت تمام دنبال کنیم (همان) (سه اصل اساسی در انقلاب)

آنهایی که به ارزش‌ها توجه می‌کنند و تحوّل و تغییر و پیشرفت را ندیده می‌گیرند، خطر تاجر تهدیدشان می‌کند؛ باید مراقب باشند. آنهایی که به تحوّل و تغییر توجه می‌کنند و ارزش‌ها را در درجه اول قرار نمی‌دهند، خطر انحراف برایشان وجود دارد؛ اینها هم باید مراقب باشند. (همان)

تفاوت تحوّل با آنارشیزم و هرج و مرج: تحوّل، یک چیز است، آنارشیزم، یک چیز دیگر؛ و هرج و مرج هم یک چیز دیگر است... (۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

جامعه باثبات اما دارای تحوّل: آنچه خوب و درست است، جامعه باثبات، اما غیر راکد و دارای تحوّل است، جامعه‌ای که حتی تحولات صحیح را سریع در خودش به وجود بیاورد. (همان)

چگونگی ایجاد تحوّل

چگونه تحوّل ایجاد خواهد شد؟ ابزارش چیست؟ ما چه کار باید بکنیم؟ شما باید چه کار بکنید؟ باید اینها را فکر کنید. (۱۳۷۰/۰۶/۲۵)

فرهنگ انقلاب و تحوّل فرهنگی به‌عنوان عزیزترین و اصلی‌ترین مطلوب: انتظار از جناب‌عالی و دیگر اعضاء محترم آن است که فرهنگ انقلاب و تحوّل فرهنگی را عزیزترین و اصلی‌ترین مطلوب خود دانسته، همه تصمیم‌گیری‌های آن شورای عالی را با این شاخص انجام دهید. (۱۳۷۱/۰۹/۲۰)

تحوّل همراه با برنامه‌ریزی، خط‌مشی درست و سرمشق: (تحوّل)... همراه با برنامه‌ریزی و همراه با داشتن خط‌مشی درست و سرمشق برای تحوّل. (۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

تحوّل با راه‌های جدید، کارهای جدید، فکرهای جدید و روش‌های جدید، بر پایه و در چارچوب ارزش‌ها:

آن بخش‌هایی که عقب‌مانده و تحوّل پیدا نکرده است، تحوّل پیدا کند و روزه‌روز راه‌های جدید، کارهای جدید، فکرهای جدید و روش‌های جدید، در چارچوب و بر پایه آن ارزش‌ها در جامعه به وجود بیاید و پیش برود. (۱۳۷۹/۰۲/۲۳)

شرایط و ابزار تحقق تحوّل

راه منحصر به فرد تحوّل، جوانان‌اند: چه جوری این تحوّل انجام بگیرد؟ به نظر من راه منحصر به فرد آن جوان‌هاست. جوان‌های زنده و خوبی داریم؛ چون در جوان، هم فکر نو هست، هم توانایی یافتن

شیوه‌های نو هست، هم نیرو و توان لازم هست، هم جرئت اقدام هست؛ این‌ها همه در جوان‌ها جمع است و خیلی مغتنم است. (۱۴۰۰/۰۲/۲۱)

دولت معتقد به تحول: تشکیل یک دولت معتقد به تحول و معتقد به عنصر تحول‌آفرین. (همان)
مدیریت هوشمند و پرتلاش لازمه تحول: مدیریت هوشمند و پرتلاش توانست در این سازمان بزرگ تحول بیافریند و آن را برای رسیدن به نقطه مطلوب آماده سازد. (۱۳۸۳/۰۳/۰۳)

توس محافظه‌کار از تحول: محافظه‌کار، طرف‌دار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را بر نمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد. (۱۳۹۶/۰۳/۱۷)
تحول در مدیریت لازمه اسلامی‌شدن: اگر می‌خواهیم حقیقتاً اسلامی شویم، باید در نحوه مدیریتمان تحول ایجاد کنیم. (۱۳۸۳/۰۸/۰۶)

لازمه تحول، انتقاد خوب، انتقادپذیری، همراه با امید و پرکاری: هم انتقاد خوب است، هم انتقادپذیری. اینها لازمه آن تحول و حالت مطلوب جامعه است؛ همراه با امید، همراه با پرکاری. (۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

ارتقای سطح مدیریت علمی در تحول: مدیریت‌ها را به سطح علمی‌تر ارتقا دادن، و... همه اینها در این تحول و پیشرفت، به معنای صحیح دخالت دارند و ما اینها را پایه‌های اصلی می‌دانیم. (همان)
پنج ویژگی برای مواجهه با تحول: حرف ما این است: یک؛ با تحول نباید سینه‌به‌سینه شد. دو؛ از تحول باید استقبال کرد. سه؛ نه فقط با تحول نباید دشمنی کرد، که باید از آن استقبال کرد. چهار؛ تحول را باید مدیریت کرد؛... پنج؛ تحول را با آنا‌رشیسم و ساختارشکنی و هرج‌ومرج نباید اشتباه گرفت. (۱۳۷۳/۰۱/۰۱)

مدیریت تحول با نخبگان: باید راه آزاداندیشی و نوآوری و تحول را باز گذاشت، منتها آن را مدیریت کرد... این کار مدیریتش با نخبگان است. (۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

وجود مرکزی اندیشمند و بانفوذ و مطاع برای ایجاد تحول: شرط اساسی برای تحول سالم و تکامل‌بخش در حوزه، نظم و انضباط و برخورداری از مرکزی اندیشمند و بانفوذ و مطاع است. (۱۳۷۱/۰۸/۲۴)

استفاده از خرد جمعی: یک نقطه مهم در باب تحول، استفاده از خرد جمعی است و تکیه بر عقلانیت که استفاده بشود. (۱۴۰۰/۰۶/۰۶)

روش‌ها، دانش و فکر نو: امروز به فکرهای جدید و راه‌های ابتکاری و در واقع دانش و فکر نو نیاز هست... احتیاج داریم به روش‌های نو، روش‌های بدیع و روش‌های تازه... و فکر تولید کنند و دانش حرکت در این راه را بایستی تولید کنند. این تحوّل است که باید اتفاق بیفتد. (۱۴۰۰/۰۲/۲۱)

ملاحظات تحول

عدم تحول در اصل انقلاب: تحوّل در اصل انقلاب... به یک معنا... ارتجاع است؛ برگشت به عقب. مفاهیم انقلابی را می‌خواهند نفی کنند. (۱۴۰۰/۰۲/۲۱)

سنت‌های ساختاری... و شیوه‌هایی (که در آن)... بسی اندوخته‌های ارزشمند هست... در هر تحول ساختاری باید محفوظ بماند. (همان)

نفوذ ناهلان، آفت تحول: خطر نفوذ... ممکن است افرادی نفوذ کنند... به عنوان تغییر و تحول و پیشرفت، کسانی بیایند که با اساس ارزش‌ها و با اصل اسلام و با اصل تدبیر مردم و با اصل عدالت اجتماعی مخالف‌اند... با نام دین هم مخالف‌اند، ولو به زبان نیاورند! این‌ها به نام تحوّل، به نام تغییر، به نام پیشرفت، به نام اصلاح، بیایند وارد میدان شوند و میدان‌داری کنند. (۱۳۷۹/۰۲/۲۳)

تغییر روش‌های اداری با حفظ جهت‌گیری علوی در تحول: ما نمی‌خواهیم از روش اداری آن دوره تقلید کنیم و بگوییم اینها مشمول تحول زمانی است و مثلاً روزه‌روز روش‌های نوی می‌آید. ما می‌خواهیم از جهت‌گیری آن حکومت (حکومت علی «علیه‌السلام») که تا ابد زنده است، تبعیت کنیم. (۱۳۸۰/۰۹/۱۶)

ایجاد تحول با حفظ هویت، ریشه‌ها و اصالت‌ها: چگونه می‌شود این ویژگی (جامعه‌ای باثبات، غیر راکد و دارای تحول (سریع)) را به دست آورد؟ این‌که: ریشه‌ها و اصالت‌ها را حفظ کنیم و شالوده شکنی نکنیم. (۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

هویت جمعی یک ملت، جزو آن چیزهایی است که در تحولات باید دست نخورد... (همان)

اساس تحول باید بر «ملاحظه عناصر اصلی هویت ملی» قرار داده شود، که آرمان‌های اساسی و اصولی مهم‌ترین آنهاست. (۱۳۷۳/۰۱/۰۱)

معیارهای ویژه جمهوری اسلامی در تحول: بالاخره پایه تحول را بایستی غیر از آن چیزی که امروز معیارهای پیشرفت در دنیا محسوب می‌شود - که اغلبش را شمردیم - دانست؛ و معیارهای

ویژه جمهوری اسلامی و حرف نو اسلام در زمینه‌های اخلاق، معنویت، معرفت الهی، انسان‌دوستی و ارتباطات و عواطف بشری را در نظر گرفت و اینها را هم بایستی جزو معیارهای پیشرفت دانست. (همان)

اسلامی کردن رفتار، کیفیت کار، عزل و نصب و اعمال مدیریت خودمان به‌عنوان اولین گام در تحول: اولین گام در تحول این است که رفتار خودمان، کیفیت کارمان، عزل و نصب خودمان، اعمال مدیریت خودمان، جذبه‌ای که به خرج می‌دهیم، انعطافی که به خرج می‌دهیم، برخوردی که با طبقات مخاطب و مراجع به خودمان انجام می‌دهیم، اسلامی باشد. (۱۳۸۳/۰۸/۰۶)

سایر ملاحظات تحول: همیشه بایستی در نظر باشد که البته تحول به سمت پیشرفت، وابسته است به قانون‌گرایی، ارتقای شفافیت، انضباط مالی، برطرف کردن زمینه‌های فساد، جلوگیری از تعارض منافع و جدیت در اعمال تصمیم‌ها و مصوبه‌ها. (۱۴۰۰/۰۶/۰۶)

مدیریت تحول در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

مدیریت تحول مقوله مهمی است که در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مورد تأکید قرار گرفته است. در نگاه ایشان، مدیریت تحولات آینده دنیا به‌عنوان وظیفه نخست حوزه و دانشگاه و دولت برشمرده می‌شود؛ لذا بررسی مبانی و مولفه‌های این مفهوم ضروری به نظر می‌رسد.

۱- قهری بودن تحولات جامعه بشری

به فرموده رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی): تحول در جوامع اسلامی و برای بشر، یک سنت لایتغیر الهی است. هیچ‌کس نمی‌تواند در برابر تحول جامعه بشری بایستد و به انکار آن برخیزد و انسان را به ایستایی ترغیب کند. تحولات بشری دیربازود، یکی پس از دیگری اتفاق می‌افتند که انسان با عزم و همت خود سررشته‌دار این تحولات به شمار می‌رود. راز ماندگاری و رمز تعالی بشر هم در این نکته نهفته است که کلید تحولات اجتماعی در دست او قرار دارد و سکون از او به‌دور است. (۱۳۸۵/۸/۱۸)

۲- ابتنای مدیریت تحول بر تئوریا

معظم له در این زمینه می‌فرماید: «برای اینکه بتوانیم نسخه درست پیشرفت را پیدا کنیم، چه لازم داریم؟ بحث نظری. این، یکی از آن کارهایی است که شما باید پیدا کنید. پیشرفت یک

کشور چیست؟ البته مقصودم این نیست که در بحث‌های ذهنی باز بیفتیم و همین‌طور خودمان را معطل مباحث ذهنی بکنیم؛ مباحث تئوریک بدون توجه به خارج و واقعیت؛ نه، اینها را نمی‌خواهم، این غلط است» (۱۳۸۵/۸/۱۸) پس لازم است تا مباحث نظری و تئوریک ناظر به واقعیات و متناسب با تحول، تولید شود تا بتوان با بهره‌گیری از آنها به مدیریت تحولات پرداخت.

۳- جایگاه مذهب در مدیریت تحولات

از نگاه رهبر معظم انقلاب ^(مدظله‌العالی)، تحول را باید بر اساس هویت ملی مدیریت کرد. باید ریشه‌ها و اصالت‌ها و ساختارهای اصلی و هویت ملی را حفظ نمود و شالوده شکنی نکرد، تا ثبات اجتماعی باقی بماند «هویت ملی هم که می‌گوییم، ملیت در مقابل دین نیست، بلکه هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگ‌ها و باورها و خواست‌ها و آرزوها و رفتارهای اوست. یک ملت مذهبی، یک ملت موحد، یک ملت مؤمن و یک ملت معتقد به پاکان در گاه الهی و اهل بیت پیغمبر ^(صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) است؛ این جزو فرهنگ و هویتشان است؛ هویت ملی که می‌گوییم، شامل همه اینها هست؛ اینها را حفظ کنیم». (۱۳۸۵/۸/۱۸)

۴- سازماندهی مدیریت تحول

از نگاه مقام عظیم الشان ولایت ^(مدظله‌العالی)، سازماندهی مدیریت تحول بر دوش نخبگان حوزه و نخبگان دانشگاهی و نیز مسئولان اجرایی است. ایشان می‌فرمایند: «وظیفه نخبگان فکری و فرهنگی جامعه و حوزه و دانشگاه، مدیریت این تحول است. نه باید تحولات را سرکوب کرد، نه باید تسلیم هر تحولی شد» (۱۳۸۵/۸/۱۸)

پیشینه پژوهش

نتیجه بررسی پژوهش‌های داخلی در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱. نتایج پیشینه تحقیق

پژوهشگر	نتایج
حسینی آهنگر و همکاران (۱۴۰۱)	الگوی بومی مدیریت راهبردی تحول در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب عبارت‌اند از: نیازشناسی و نیازسنجی، شناخت وظایف و مقاصد، هدف‌گذاری و هدف‌شناسی، شناخت وضعیت و موقعیت، مسیرشناسی و برنامه‌ریزی و اجرای آن.

جدول ۱. نتایج پیشینه تحقیق

پژوهشگر	نتایج
محمدمدی فاتح و همکاران (۱۴۰۱)	مختصات تحول‌گرایی در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) عبارت‌اند از: ماهیت تحول‌گرایی (بنیادی، تدریجی، زمانی، عوامل ایجادکننده تحول (رهبری تحول، امدادهای غیبی، معلمان، جوانان، اکتفانکردن به داشته‌ها، تلاش و همت، شرایط محیطی کلان تحول (مردم و نخبگان، شرایط مداخله‌گر (مدیریت برنامه‌ریزی تحول، حوزه‌های تحول (معنویت، فرهنگ، علم، اقتصاد، حوزه علمیه، نظام اداری، آموزش و پرورش، حیطه‌های تحول (فردی، سازمانی، ملی، جهانی و دستاوردهای تحول (پیشرفت، بازدارندگی، حفظ جهت - گیری انقلاب اسلامی، استقلال و عزت ملی).
یاورفینی (۱۳۹۸)	مبانی و مؤلفه‌های مدیریت تحول گروهی در سازمان از منظر قرآن شامل: مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی، مهم‌ترین مبانی مدیریت تحول گروهی است و برنامه‌ریزی و هدایت، مهم‌ترین مؤلفه‌های آن است.
قلی‌پور و چیت‌سازان (۱۳۹۷)	تحول در علوم انسانی از منظر مقام معظم رهبری را در سه بعد ساختار، محتوا و کنشگران طبقه‌بندی کرده‌اند.
عسگری و همکاران (۱۳۹۷)	الگوی فرهنگ تحول‌گرا در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر مبنای بیانات فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) از شش مقوله اصلی تشکیل شده است: فرصت‌گرایی، تحول‌گرایی، انسان‌گرایی، معنویت‌گرایی، شاسیته‌گرایی و وحدت‌گرایی، توسعه این ابعاد فرهنگی می‌تواند به ارتقای اثربخشی و موفقیت طرح‌های تحول‌سازمانی در سازمان‌های دفاعی شود.
اسکندری و ازگلی (۱۳۹۶)	فرایند تحول در سازمان‌های نظامی از پنج مرحله اصلی، شامل: آماده‌سازی برای پذیرش تحول، طراحی تحول، آماده‌سازی برای اجرای تحول، اجرای تحول و واپایش و تداوم تحول تشکیل شده است.
مهری (۱۳۹۶)	تحول معنوی از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارت است از: متعین‌های تحول درونی انسان، استمداد از دین به‌عنوان شرایط علی درونی؛ معنویت ستیزی استکبار در سده‌های اخیر به‌عنوان شرایط علی بیرونی، معنویت در جامعه صدر اسلام و خلأ معنوی جهان امروز و گرایش دوباره بشر به معنویت به‌عنوان بستر؛ تأثیر انقلاب اسلامی در تغییر روند معنویت زدایی در جهان، جایگاه و نقش معنویت در مرحله نظام اسلامی، جامعه اسلامی، تمدن اسلامی، مسئولیت دولت اسلامی نسبت به معنویت آحاد جامعه، به‌عنوان شرایط مداخله‌گر؛ معنویت در حوزه فردی نظیر خودنگری مداوم، حفظ سکینه در حوزه مسئولان

جدول ۱. نتایج پیشینه تحقیق

پژوهشگر	نتایج
	و آموزش اخلاقی جامعه از سوی حکومت به عنوان راهبرد کنشی؛ و هدف دار شدن زندگی، نقش معنویت در پیروزی انقلاب، توأم بودن پیشرفت حقیقی با اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی به عنوان پیامدهای مثبت تحول معنوی، طغیان سیاسی به عنوان پیامدهای دوری از معنویت است.
دانیایی فرد و همکاران (۱۳۹۴)	اولویت های راهبردی تحول در نظام آموزش و پرورش را بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری این گونه معرفی نموده است: منابع انسانی تحول آفرین، فرهنگ اسلامی، تعلیم و تربیت، محتوا و روش تربیتی، متولیان، مؤثران تحول آفرین و برنامه ریزی راهبردی.
کریمی قهرودی (۱۳۹۲)	در این مقاله ذکر شده است که تحول سازمانی مبتنی بر فاوا، رویکردی نوین در مدیریت، برنامه ریزی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات است که نیازمند ترویج چشم انداز مشترک فاوا و الگوی تحول سازمان به کمک فاوا به عنوان اولین گام است.

باتوجه به مرور تحقیقات پیشین، ملاحظه می شود که محققان داخلی اهداف تحقیق حاضر را مورد واکاوی قرار نداده اند. وجه تمایز یا به عبارتی نوآوری تحقیق حاضر این است که علاوه بر سبقه راهبردی، به تحول در همه ارکان، ابعاد، جنبه ها و سطوح؛ فردی، اجتماعی، سازمانی و دولتی کشور پرداخته و از نوعی جامع نگری برخوردار است. در این صورت تحول آفرینی قابلیت اجرایی و کارایی به مراتب بیشتری خواهد داشت. وجه مشترک این تحقیق با برخی از تحقیقات پیشین، تمرکز روی اندیشه مقام معظم رهبری و به کارگیری روش تحقیق است. در ضمن به علت اینکه محققان خارجی نگاه تک ساحتی و صرفاً مادی انگارانه به انسان دارند و پژوهش های آنان در عمل هیچ کمکی به تحقیق نخواهد کرد، مورد بررسی قرار نگرفته اند.

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف؛ بنیادی و از نظر روش کیفی است. جامعه آماری پژوهش در دو حوزه در نظر گرفته شده است. در بخش اول، با بهره گیری از روش تحلیل مضمون متمرکز بر موضوع تحقیق کلیه؛ بیانات و مکتوبات حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) به صورت تمام شمار، مورد بررسی قرار گرفته و از بین آن ها گزاره ها انتخاب شده است. در بخش دوم، به منظور اطمینان از اتقان و اعتباربخشی به تجزیه و تحلیل، اقدام به نظرسنجی از طریق پرسش نامه گردید، لذا با

عنایت به ویژگی‌های موردنظر (از قبیل: سطح تحصیلات، سن و تخصص) تعداد ۱۵ نفر از خبرگان به شیوه گزینشی انتخاب شده‌اند. اطلاعات موردنیاز در این تحقیق با روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزارهای؛ فیش برداری، پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، مقالات علمی و پژوهشی و روش میدانی با ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شده‌اند. قلمرو موضوعی پژوهش، معطوف به موضوع تحقیق است. قلمرو زمانی، معطوف به سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۱ است و قلمرو مکانی شامل، کل محیط جمهوری اسلامی ایران است. به دلایل زیر روایی پژوهش محقق شده است:

✓ در طی تحقیق، هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل به صورت رفت و برگشتی به دفعات انجام شده است.

✓ رسیدن به اشباع نظری با احصاء ۳۱۹ مضمون پایه (به جهت جلوگیری از کثرت مقاله، مضامین پایه تکراری حذف شدند)، ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر.

✓ ارجاع تحلیل مضمون به تعداد ۱۵ نفر خبرگان و اعمال نظرهای اصلاحی آنان در فرایند تجزیه و تحلیل

با تأکید بر پایداری به پایایی، برای دستیابی به آن با استفاده از چهار معیار معروف پارکر و رافی^۱ (۱۹۹۷)، به شرح تأیید گردیده‌اند:

✓ برای سنجش معیار تطبیق، مطابق روند انجام گرفته مضامین سازمان‌دهنده از داده‌های بررسی شده، تولید شده‌اند.

✓ برای قابلیت فهم کردن، مضامین پایه و سازمان‌دهنده به شکلی نظام‌مند به هم مرتبط شده‌اند و میان آن‌ها پیوندهای مفهومی برقرار شده تا مضامین فراگیر به وسیله آن‌ها استخراج شوند.

برای قابلیت تعمیم بودن، سعی شد تا ساختار پژوهش بر اساس بیانات و مکتوبات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) شکل گیرد.

کنترل فرایند، به دلایل زیر می‌توان اطمینان حاصل کرد که داده‌های جمع‌آوری شده، منتج به ارائه مضمون فراگیر شده است:

1. Parker & Roffey

• اتصال یا تطبیق روشنی بین مضامین فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده، مضامین پایه و داده‌های خام وجود دارد.

• گسترش دامنه جمع‌آوری داده‌ها، از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۴۰۱.

یافته‌ها بر اساس مطالعه متون واقعی (دست اول) احصاء شده است.

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش صورت گرفته است. در بخش اول با استفاده از روش تحلیل مضمون؛ هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل از طریق کدگذاری انجام شده است. در کدگذاری اقدام به احصاء، مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر از متون گردید و به طور دایم، به متون بیانات و مکتوبات مراجعه و برخی از مضامین حذف یا مضامین جدیدی اضافه شده‌اند. کدگذاری از طریق درک مفهوم یک پیشامد و انتخاب یک نام (برچسب) برای آن و از طریق فن مقایسه مستمر انجام می‌شود. در واقع فرایند تحلیلی است که از طریق آن، مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر شناسایی می‌شوند. این روش به صورت رفت و برگشتی آن قدر ادامه یافت تا اشباع نظری حاصل گردید. مثالی از نحوه تحلیل مضمون (تماتیک) در جدول زیر آورده شده است:

جدول شماره ۲. مثال تحلیل مضمون

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	متن منتخب
چگونگی تحول	الزامات و ملاحظات تحول	حفظ هویت ملی	اساس تحول باید بر ملاحظه عناصر اصلی هویت ملی قرار داده شود

در بخش دوم برای اعتبارسنجی تحلیل مضمون و افزایش روایی تحقیق با استفاده از آمار توصیفی شامل؛ جدول توزیع فراوانی، ارزش وزنی، میانگین و رتبه‌بندی به تحلیل جامعه خبرگان پرداخته شد.

الف - تجزیه و تحلیل توصیفی ویژگی‌های جامعه خبرگان

گرچه روش تحقیق کیفی محقق محور است لیکن برای افزایش روایی و اعتبار و کاهش میزان خطا در مرحله تحلیل مضمون از نظرات خبرگان مرتبط با موضوع و تحقیق بهره‌برداری گردید. به همین منظور برای انتخاب مناسب‌ترین، مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر پرسش‌نامه بین صاحب‌نظران توزیع گردید و به روش دلفی اصلاحات لازم به عمل آمد. پس از وزن‌دهی و اولویت‌بندی معیارهای انتخاب جامعه خبرگان رُبه ترتیب: سطح تحصیلات (معیار ۱)، سن (معیار ۲) و تخصص (معیار ۳) تعداد ۱۵ نفر از خبرگان به شیوه گزینشی انتخاب گردید. در ادامه به تجزیه و تحلیل توصیفی ویژگی‌های جامعه خبرگان پرداخته شده است. جمع‌بندی آماری ویژگی‌های جامعه خبرگان در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

جدول شماره ۳. جمع‌بندی آماری ویژگی‌های جامعه خبرگان

رتبه نفرات	ارزش وزنی معیار ۱	ارزش وزنی معیار ۲	ارزش وزنی معیار ۳	میانگین ارزش وزنی
نفر اول	۵	۵	۵	۵
نفر دوم	۵	۵	۵	۵
نفر سوم	۵	۵	۵	۵
نفر چهارم	۵	۵	۵	۵
نفر پنجم	۵	۵	۴	۴/۶
نفر ششم	۵	۵	۴	۴/۶
نفر هفتم	۵	۵	۴	۴/۶
نفر هشتم	۵	۵	۴	۴/۶
نفر نهم	۵	۵	۴	۴/۶
نفر دهم	۵	۵	۴	۴/۶
نفر یازدهم	۵	۴	۴	۴/۳
نفر دوازدهم	۵	۴	۴	۴/۳
نفر سیزدهم	۵	۴	۴	۴/۳
نفر چهاردهم	۵	۴	۴	۴/۳
نفر پانزدهم	۵	۴	۴	۴/۳

تفسیر: جهت تعیین ارزش وزنی ویژگی‌های جامعه خبرگان، دکتری معادل عدد ۵، سن ۵۰- ۴۰ عدد ۴، سن از ۵۰ به بالا عدد ۵ و تخصص بر اساس طیف لیکرد {خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴)، خیلی زیاد (۵)} در نظر گرفته شده است. میانگین میانگین‌ها (۴/۶) مبین این واقعیت است که صاحب‌نظران منتخب از شایستگی لازم برای این تحقیق برخوردار هستند. این موضوع به روایی و اعتبار تحقیق صحه می‌گذارد.

ب- تجزیه و تحلیل سایر داده‌های برگرفته از بیانات و مکتوبات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

به علت کثرت حجم گزاره‌های منتخب و تکراری بودن برخی از مضامین پایه در ادامه فقط به خلاصه نحوه ارتباط مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر بسنده شده و آوردن گزاره‌های منتخب، مضامین پایه تکراری و شناسه، اجتناب شده است. خلاصه تحلیل مضامین فراگیر در جدول (۴) ارائه شده است. جدول شماره (۴) خلاصه تحلیل مضامین فراگیر

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه
چیستی تحول	مفهوم تحول	از شکلی به شکل دیگر شدن، انقلاب، حرکت روبه‌جلو و دائمی، اصلاح روزبه‌روز روش‌های غلط، به‌روز بودن، از حوادث عقب نماندن، حرکت نوبه‌نوی محتوایی، درست‌شدن و انسان صحیح شدن (تحول درونی).
	ابعاد تحول	تحول فرهنگی، اجتماعی، فردی و سایر جهات.
	ویژگی تحول آفرین	خودسازی، فکر نو، دانش حرکت تحول، ابتکار، جرئت حرکت و اقدام، میل کامل به این حرکت، انقلابی، جوان، نیرو و توان لازم، انتقادپذیری، امید، پرکاری، انسان‌های روشن‌بین، اقتدار، انسجام و اشراف دولت، قدرت تصمیم‌گیری بااراده و باایمان.
	ویژگی تحول	سخت بودن تحول فردی، مکمل بودن تغییر، تحول و پیشرفت، ممکن بودن، تدریجی بودن.
چرایی تحول	اهمیت و ضرورت	احسن الحال، به وضع احسن رساندن، بالا رفتن ارزش، اسلام.
		راز ماندگاری و تعالی بشر، نیاز جامعه، جلوگیری از رکود، شکست‌ناپذیری، تهدید و تطمیع‌ناپذیری انسان، برکات بزرگ برای این ملت و دنیای اسلام،

جدول شماره (۴) خلاصه تحلیل مضامین فراگیر

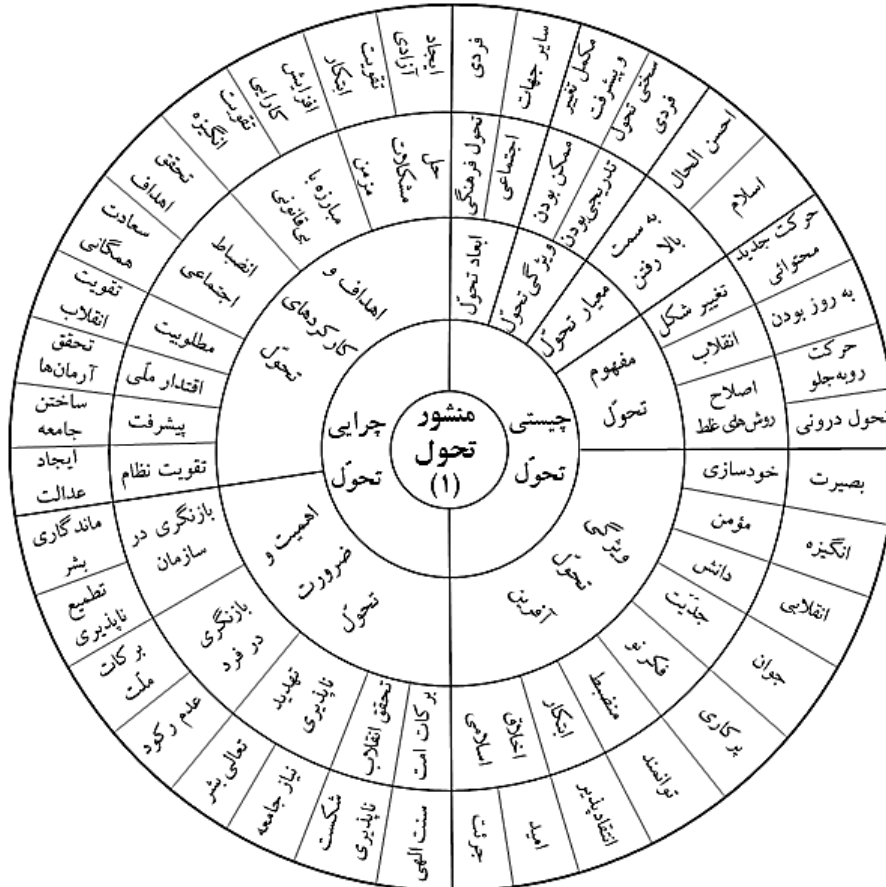
مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه
	تحول	ضرورت تحول و بازنگری در سازمان و فرد، تحقق انقلاب منوط به تحول در بخش‌های عقب‌مانده، سنت لایتغیر الهی.
	اهداف و کارکردهای تحول	جبران عقب‌ماندگی، حل مشکلات مزمن، رسیدن به نقطه مطلوب، افزایش کارایی و توفیقات، رسیدن به اهداف مادی و معنوی، ارتقای علمی، فرهنگی و اقتصادی، تغییر به سمت بهتر شدن ارزش‌ها، تقویت انقلاب، ایجاد حرکت جهشی جهادی در همه بخش‌های اداری و حکمرانی کشور، ساختن جامعه اسلامی، ایجاد عدالت، ایجاد آزادی، تقویت نظام، اصلاح کارها و روش‌ها، تقویت قوه ابتکار، تقویت انگیزه، تحقق سعادت همگانی، تحقق آرمان‌های عالی، پیشرفت، انضباط اجتماعی، مبارزه با بی‌قانونی، رشد عزت ملی، رشد اخلاق، رشد اقتدار ملی.
چگونگی تحول	مجریان تحول	تشکل‌های دانشجویی، جوانان نخبه، مؤمن انقلابی، نخبگان انقلابی و مؤمن.
	حوزه عمل تحول	بخش‌های گوناگون حکمرانی کشور، جوانان، سبک زندگی عمومی مردم، حوزه اجتماعی، حوزه اقتصادی، حوزه عدالت، حوزه فکر، علوم انسانی، مبانی معرفتی کاربردی، زیرساخت‌های جامعه، بخش‌های عقب‌مانده.
	پیشران تحول	حق و حقیقت، آرمان‌گرایی حقیقی، امام خمینی (ره)، خودسازی، انقلاب اسلامی، شهدا، خداوند، اراده انسان، مدیریت هوشمند و پرتلاش، اسلام، عمل صالح.
	زمان تحول	روزبه‌روز، نیاز همیشگی، مستمر و دائمی.

جدول شماره (۴) خلاصه تحلیل مضامین فراگیر

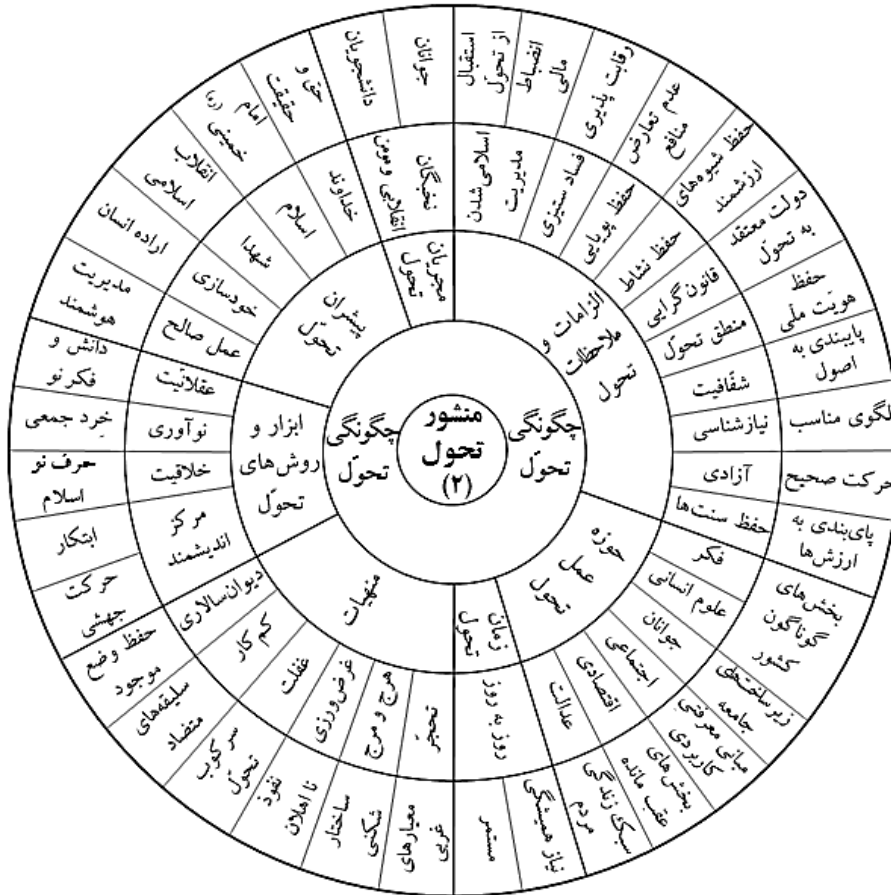
مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه
	الزامات و ملاحظات تحول	محفوظ ماندن سنت‌های ساختاری، محفوظ ماندن و شیوه‌های ارزشمند، اولویت به ارزش‌ها، مشخص کردن چیستی، چرایی و چگونگی، حرکت صحیح، جدیت به تحول در چارچوب ارزش‌ها، پایبندی به ارزش‌ها و اصول، عدم شالوده‌شکنی، حفظ هویت ملی، حفظ پویایی، حفظ نشاط، برخورداری از آزادی تحرک، حفظ روح رقابت، انتقادپذیری، امید، پرکاری، الگوی مناسب، در نظر گرفتن آرمان‌ها و اصول، تقویت عواطف و محبت در انسان‌ها، عدم مقابله، استقبال، در جهت پیشرفت، عدم اشتباه تحول با آنارشسیسم و ساختارشکنی و هرج و مرج، اخلاق اسلامی، جرئت حرکت و اقدام، تطبیق فعالیت‌های علمی با نیازها، خودسازی، قانون‌گرایی، ارتقای شفافیت، انضباط مالی، برطرف کردن زمینه‌های فساد، جلوگیری از تعارض منافع. مشخص، روشن شدن و محاسبه منطقی تحول، ایمان و انگیزه صادقانه و انقلابی، به‌کارگیری جوان‌ها، جدیت در اعمال تصمیم‌ها و مصوبه‌ها، نظم و انضباط، اسلامی شدن مدیریت، تشکیل یک دولت معتقد به تحول.
	ابزار و روش‌های تحول	مرکزی اندیشمند و بانفوذ و مطاع، مدیریت، تکیه بر عقلانیت، خرد جمعی، دانش و فکر نو، ابتکار، نیرو و توان لازم، حرکت جهشی، نوآوری، راه‌های جدید، حرف نو اسلام، آرمان‌های جدید، روش‌های جدید، اصلاح روش‌های غلط به وسیله تحول.
	منهیات	تحجر، نادیده گرفتن ارزش‌ها، ساختارشکنی و شالوده شکنی، پیروی از سلیقه‌های مختلف و گاه متضاد، نفوذ ناهلان، سرکوب و مقابله با تحول، انکار تحول، حفظ وضع موجود، تغییر اصول، معیارهای غرب (مادی) مبنای تحول، کم‌کاری، دیوان‌سالاری، غفلت، غرض‌ورزی، بلبشو و هرج و مرج.

خلاصه تحلیل مضامین فراگیر نشان می‌دهد، «منشور تحول» دارای ۳۱۹ مضمون پایه (موارد تکراری حذف شده)، ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر است.

بر اساس تجزیه و تحلیل صورت گرفته، به علت کثرت مضامین پایه، شبکه مضامین فراگیر چستی، چرایی و چگونگی تحول، در دو نمودار به شرح زیر نمایش داده شده است.



نمودار شماره ۱ شبکه مضامین فراگیر چستی و چرایی تحول در جمهوری اسلامی ایران از منظر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)



نمودار شماره ۲ شبکه مضمون فراگیر چگونگی تحول در جمهوری اسلامی ایران از منظر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و گسترش آن در جهان اسلام و مستضعفین جهان به‌عنوان یک نظریه جدید اداره ملت‌ها، با الهام از مکتب آزادی‌بخش اسلام و همچنین استقبال ملت‌های جهان از نظرات و دیدگاه‌های رهبر انقلاب اسلامی و تأکید معظم له بر ضرورت شکل‌گیری این نظام اسلامی به‌عنوان پیشران ملل مستضعف جهان در مقابله با نظام سلطه، سؤالات بنیادی متعددی را در اذهان برمی‌انگیزد. از جمله اینکه با چه سازوکاری این الهام‌بخشی برای سایر ملل جهان صورت می‌گیرد؟ برای پاسخگویی به سؤال فوق باید به یک سؤال اساسی پاسخ داد که آیا روند فعلی، جهت‌گیری‌های آن‌ها و نحوه مدیریت اجرایی کشور فرصت کافی، ظرفیت ساختاری، مدیریتی و سرمایه‌های انسانی لازم و انگیزه لازم برای پاسخگویی به سؤال فوق را دارند؟ پرواضح است که ادامه این روند نمی‌تواند ما را به اهداف تعریف شده برساند و باید یک تحول اساسی در نقش‌ها، رویکردها و کارکردهای دستگاه اداره کشور ایجاد کنیم تا بتوانیم از فرصت‌های پیش‌رو و سرمایه‌های نهفته در جامعه اسلامی حداکثر بهره‌برداری را برای رسیدن به آن اهداف و ساختن کشور در تراز نظام بین‌الملل اسلامی به وجود بیاوریم.

براین اساس و نیز با توجه به تأکیدات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) باید گفت تحول به‌عنوان حرکت مستمر و روبه‌جلو و تعالی‌بخش ضرورت حیاتی کشور است. از این‌رو محقق درصدد برآمد تا باهدف تبیین منشور تحول در جمهوری اسلامی ایران، کلیه مکتوبات و بیانات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۴۰۱، با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مطابق یافته‌های تحقیق، با شناسایی ۳۱۹ مضمون پایه (به جهت جلوگیری از کثرت در مقاله، مضامین پایه تکراری حذف شدند)، ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر احصاء گردید.

مضمون فراگیر «چیستی تحول» شامل مضامین سازمان‌دهنده؛ مفهوم تحول، ابعاد تحول، ویژگی تحول‌آفرین، ویژگی تحول و معیار تحول است. مضامین پایه نیز در نمودار (۱) نشان داده شده است.

مضمون فراگیر «چرایی تحول» شامل مضامین سازمان‌دهنده؛ اهمیت و ضرورت تحول و اهداف و کارکردهای تحول است. مضامین پایه هم در نمودار (۱) نشان داده شده است.

مضمون فراگیر «چگونگی تحول» شامل مضامین سازمان‌دهنده؛ مجریان تحول، حوزه عمل تحول، پیشران تحول، زمان تحول، الزامات و ملاحظات تحول، ابزارها و روش‌های تحول و منهیات تحول است. مضامین پایه نیز در نمودار (۲) نشان داده شده است.

در خصوص تحول‌گرایی در اندیشه مقام معظم رهبری پژوهش‌هایی انجام شده است. برجسته‌ترین آن‌ها، یکی مقاله حسنی آهنگر و همکاران (۱۴۰۱) است که الگوی بومی مدیریت راهبردی تحول در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب را با روش تحلیل مضمون تدوین کرده است و دیگری مقاله محمدی فاتح و همکاران (۱۴۰۱) است که مختصات تحول‌گرایی در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) را مورد پژوهش قرار داده‌اند. مقایسه این تحقیق با سایر پژوهش‌ها نشان می‌دهد، اهداف این تحقیق تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است و منشور تحول از منظر مقام معظم رهبری علاوه بر سبقه راهبردی، توانسته، تحول در همه ارکان، ابعاد، جنبه‌ها و سطوح؛ فردی، اجتماعی، سازمانی و دولتی را پوشش دهد و شمولیت، جامعیت و گستردگی به مراتب بیشتری برخوردار است. گرچه وجه مشترکی با برخی از تحقیقات قبلی از قبیل مطالعه در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب و روش تحقیق دارد. به این ترتیب منشور تحول در جمهوری اسلامی ایران بر اساس اندیشه حضرت امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی)، سندی بالا دستی محسوب می‌گردد که ضمن تبیین چیرستی، چرایی و چگونگی تحول، مسئولین و متولیان حکومتی را مخاطب قرار داده و انتظارات و مطالبات معظم‌له به روشنی در آن مطرح شده است. لذا نتایج تحقیق به سؤال اصلی تحقیق پاسخ مناسب داده است.

باتوجه به یافته‌های تحقیق پیشنهادهای زیر به پژوهشگران ارائه می‌شود.

- (۱) میزان تأثیر هر یک از مضامین سازمان‌دهنده در مضامین فراگیر را با روش پژوهش کمی مورد سنجش قرار دهند.
- (۲) با روش پژوهش کمی مضامین سازمان‌دهنده را اولویت‌بندی نمایند.
- (۳) مطالعه تطبیقی مرتبط با موضوع تحقیق از کشورهای پیشرفته صورت گیرد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر، مکارم شیرازی، (۱۳۸۰)، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، (۱۴۰۱)، **حدیث ولایت**، لوح فشرده مجموعه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- اسکندری، مجتبی و محمد ازگلی، (۱۳۹۶)، **الگوی پیاده سازی تحول در سازمان های نظامی**، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۱۵، شماره ۵۸، (تابستان)، از صفحه ۷۱ تا صفحه ۹۳.
- انوری، حسن، (۱۳۷۶)، **فرهنگ روز سخن**، چاپ ۱۲، (۱۳۸۳)، تهران: سخن.
- بردباری، غلامرضا؛ ضرابی‌زاده، شیما و صالحی، طاهر، (۱۳۹۴)، **ارائه الگوی حکمرانی خدا محور**، فصلنامه علمی مدیریت اسلامی، شماره ۲، سال ۲۳، از صفحه ۹ تا صفحه ۴۱.
- جلیلی، رضا؛ عیسانی، حسین و مقیسه، رضا، (۱۳۹۴)، **مبانی تحول در اندیشه اسلامی**، چاپ اول، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام).
- حسینی آهنگر، محمدرضا؛ تولایی، روح‌الله و احمدی، محمد میلاد، (۱۴۰۱)، **الگوی بومی مدیریت راهبردی تحول مبتنی بر منظومه فکری رهبر معظم انقلاب**، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۳۰، (بهار)، از صفحه ۳۸ تا صفحه ۵۲.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴)، **مفردات الفاظ قرآن**، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
- دانایی‌فرد، حسن؛ باقری کتی، مصباح الهدی و خانی، علی، (۱۳۹۴)، **فهم اولویت‌های راهبردی تحول نظام آموزش و پرورش از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)**، فصلنامه مدیریت اسلامی، شماره ۱، سال ۲۳، (بهار)، از صفحه ۱۰۵ تا صفحه ۱۳۵.
- کریمی قهرودی، محمدرضا؛ فشارکی، مهدی؛ طباییان، سید کمال و حسینی، رضا، (۱۳۹۲)، **الگوی تحول ودجا از منظر فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) در راستای تحقق پشتیبانی برخط نیروهای مسلح**، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۴۳، سال ۱۱، از صفحه ۹۵ تا صفحه ۱۳۱.
- رضایی، حسن، (۱۳۹۸)، **طراحی و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های اساسی حکمرانی اسلامی و دولت معیار**، نشریه مطالعات و پژوهش‌های اداری، شماره ۳، (پاییز)، از صفحه ۷۸ تا صفحه ۷۹.
- قلی‌پور، حسین و چیت‌سازیان، علیرضا، (۱۳۹۷)، **ابعاد و مولفه های تحول در علوم انسانی در اندیشه مقام معظم رهبری و دلالت آن بر علوم انسانی مطلوب جمهوری اسلامی**، راهبرد فرهنگ، شماره ۳۷، (بهار)، از صفحه ۹۷ تا صفحه ۱۲۴.
- عبد الباقی، محمد فؤاد، (۱۳۷۵)، **المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم**، چاپ ۱۰، تهران: پرتو.

- عسگری، ناصر؛ خیراندیش، مهدی؛ بارانی، صمد و لطفی جلال آبادی، مصطفی، (۱۳۹۷)، ارائه الگوی فرهنگ تحول‌گرا در نیروهای مسلح ج.ا.ا بر مبنای بیانات فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی)، فصلنامه علمی - پژوهشی آینده پژوهی دفاعی، شماره ۹، (تابستان)، از صفحه ۸۵ تا صفحه ۱۱۰.
- قرائتی، محسن، (۱۳۷۴)، *تفسیر نور*، چاپ ۱۱، (۱۳۸۳)، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قریشی، سید علی‌اکبر، (۱۳۵۲)، *قاموس قرآن*، مجلد ۱ و ۳، ارومیه: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، شیخ عباس، (۱۳۸۰)، *مفاتیح الجنان*، مترجم: الهی قمشه ای، چاپ اول، (۱۳۸۰)، قم: بحر العلوم.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۹)، *زادالمعاد*، بازبینی: یوسف زاده، چاپ اول، (۱۳۸۹)، قم: پیام مقدس.
- مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۰)، *تفسیر نمونه*، جلد ۷، ۹، ۱۰ و ۱۱ چاپ ۲۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی فاتح، اصغر؛ عبدی، بهنام و پورصادق، ناصر، (۱۴۰۱)، *مختصات تحول‌گرایی در سپهر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)*، *فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی*، شماره ۲۲، سال ۶، (تابستان)، از صفحه ۱۳۳ تا صفحه ۱۷۲.
- مهری، کریم، (۱۳۹۸)، *الگوی نظری تحول معنوی براساس بیانات مقام معظم رهبری، نشریه تربیت اسلامی*، شماره ۲۴، از صفحه ۷ تا صفحه ۲۹.
- یاورفینی، مجتبی، (۱۳۹۸)، *مبانی و مولفه‌های مدیریت تحول گروهی در سازمان از منظر قرآن، فصلنامه علمی - ترویجی اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، شماره ۱۸، (بهار و تابستان)، از صفحه ۹۱ تا صفحه ۱۰۴.
- تارنمای پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) قابل دسترسی در: <https://www.KHAMENEI.IR>
- Parker, Lee D. & Roffey, Bet H., (1997), Methodological Themes: Back to the Drawing Board: Revisiting Grounded Theory and the Everyday Accountant's and Manager's Reality, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 10(2).

